

بررسی نقش پیش‌بین دین‌داری در گرایش نوجوانان به رفتارهای پرخطر با واسطه‌گری نظم‌بخشی هیجانی

حدیث محمودصالحی*، عبدالعزیز افلاک‌سیر**، نورالله محمدی***

* دانشجوی کارشناسی ارشد، روانشناسی بالینی، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران. (نویسنده مسئول)

** استاد دانشکده روانشناسی دانشگاه شیراز، شیراز، ایران.

*** استاد دانشکده روانشناسی دانشگاه شیراز، شیراز، ایران.

چکیده

هدف: هدف پژوهش حاضر بررسی نقش دین‌داری با واسطه‌گری نظم‌بخشی هیجانات در پیش‌بینی گرایش به رفتارهای پرخطر در نوجوانان بود.

تاریخچه:

دریافت: ۱۳۹۲/۱۲/۱۸

تجدیدنظر: ۱۳۹۳/۰۳/۲۲

پذیرش: ۱۳۹۳/۱۰/۰۹

روش: جامعه آماری این پژوهش، شامل دانش‌آموزان دبیرستان‌های نواحی پنج‌گانه اصفهان بود که از بین دانش‌آموزان دبیرستان‌ها در سال ۱۳۹۱ تعداد ۳۸۳ نفر (۱۷۶ پسر و ۲۰۷ دختر) با استفاده از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای تصادفی انتخاب شدند. داده‌های پژوهش با استفاده از پرسشنامه دین‌داری، پرسشنامه دشواری در نظم-بخشی هیجانات و پرسشنامه خطرپذیری نوجوانان ایرانی گردآوری و از طریق روش‌های آماری تحلیل مسیر و رگرسیون چندگانه موردبررسی قرار گرفت.

کلیدواژه‌ها:

دین‌داری، نظم‌بخشی هیجانی،

رفتارهای پرخطر

یافته‌ها: نتایج نشان داد دشواری در نظم‌بخشی هیجانی در رابطه میان دین‌داری و رفتار پرخطر تاندازه‌ای واسطه شده است. همچنین، رابطه مستقل معناداری بین دین‌داری و رفتارهای پرخطر وجود داشت.

نتیجه‌گیری: نوجوانانی که اعتقادات مذهبی قوی‌تری دارند و هیجانانشان را به‌گونه‌ای مؤثر تنظیم می‌کنند به احتمال کمتر در رفتارهای پرخطر شرکت می‌کنند.

The predictive role of religiosity mediated by emotion regulation in Tendency Toward High Risk Behaviors in adolescent

*H. Mahmood Salehi, **A.A. Aflakseyr, ***N. Mohammadi

* M.A Student in Clinical Psychology, Shiraz University, Shiraz, Iran.

** Professor, Department of Psychology, Shiraz University, Shiraz, Iran.

*** Professor, Department of Psychology, Shiraz University, Shiraz, Iran.

Abstract

Objective: This research aimed at surveying the role of predicting religiosity on tendency toward high risk behaviors in adolescent mediated by emotion regulation.

Method: The statistical population of this study comprised all the students of Esfahan five areas high schools. Among them in 1391, a total of 338 people (176 male, 207 female) who were selected using random multistage cluster sampling method. The subjects completed the following questionnaires: Religiosity scale, Difficulty in Emotional Regulation scale, Iranian Adolescent Risk-Taking scale. The data were analyzed with SPSS 16 and AMOS Graphics 21 (statistical software) through path way analyses and multiple regression method.

Results: Result showed that difficulty in emotion regulation mediated to some extent between religiosity and high risk behaviors. There was independent and significant association between religiosity and high risk behaviors.

Conclusion: Adolescent who have stronger religious beliefs and regulate their emotions effectively less likely to engage in risky behaviors.

Article Information:

History:

Receipt: 2014/03/09

Revise: 2014/06/12

Acceptance: 2014/12/30

Keywords:

Religiosity, Emotion Regulation, High Risk Behaviors

نوجوانی دوره تغییرات بزرگ است؛ تغییرات سریع احساسی، فیزیکی و اجتماعی (آخنباخ و گیتلمن^۱، ۲۰۰۳). نوجوانی دوره اکتشاف، اتکابه نفس، کنترل بر خود، توانایی تصمیم‌گیری مستقلان و دوره انتخاب است (فلدمن و الیوت^۲، ۱۹۹۰). به دست آوردن خودمختاری، مسئولیت‌پذیری و تصمیم‌گیری در مورد سلامتی، خانواده، شغل و همسالان در این دوره رخ می‌دهد (فرشتنبرگ^۳، ۲۰۰۰). این دوره زمانی است که نوجوان نقش‌ها و مسئولیت‌های جدید را می‌پذیرد و مهارت‌های اجتماعی را برای بر عهده گرفتن آن نقش‌ها فرا می‌گیرد (هریس، دانکن و بویسجولی^۴، ۲۰۰۲)؛ ولی از آنجاکه مدل و الگوی دقیق و روشن و همه‌جانبه در زمینه رفتار مناسب برای او تعریف نشده است، او به سبک- سنگین کردن رفتارها، آزمایش نقش‌ها، اعلام تمایز از بزرگسالان و در برخی موارد به نادیده گرفتن قواعد دست می‌زند (شفرز^۵، ۲۰۰۴) و سرانجام این رشد نقش‌ها با انجام رفتارهای پرخطر همراه می‌شود. دوره نوجوانی و جوانی اغلب با خطرپذیری مترادف شده است. خطرپذیری به رفتارهایی اطلاق می‌شود که احتمال نتایج منفی و مخرب جسمی، روان‌شناختی و اجتماعی را برای فرد افزایش دهد (کارگرگ و گروز^۶، ۲۰۰۳)؛ به نقل از سلیمانی، ۱۳۸۶). به نظر می‌رسد که برخی از عوامل به‌عنوان عوامل حمایت‌کننده و برخی دیگر به‌عنوان عوامل خطرآفرین، ابتلا به مواد مخدر و دیگر رفتارهای

پرخطر را تحت تأثیر قرار می‌دهند. یکی از عوامل حمایت‌کننده فرد، دین‌داری است که در برخی از مطالعات (ویلز، بیر و ساندی^۷، ۲۰۰۳) از آن به‌عنوان سپری در مقابل وابستگی به مواد یادکرده دین از طریق برقراری یک نظم اخلاقی و تدارک فرصت‌هایی برای به دست آوردن شایستگی‌ها و تهیه قوانین اجتماعی، سوء مصرف مواد و بهبودی از آن را تحت تأثیر قرار می‌دهد (اسمیت، ۲۰۰۳). پژوهش‌ها نشان می‌دهند علی‌رغم نقش گروه دوستان و همسالان در گرایش به سمت بزهکاری، مذهب عامل مهمی در پیشگیری از بزهکاری است (چادویک و تاپ^۸، ۱۹۹۳). همچنین گرایش به مذهب و فعالیت‌های مذهبی در کاهش افکار خودکشی و اقدام به آن، مصرف مواد مخدر، رفتارهای جنسی پیش از موعد و بزهکاری اثر مثبت دارد (دوناهو^۹، ۱۹۹۵؛ بور و مک کال^{۱۰}، ۱۹۹۴). میلر، دیویس و گرین‌والد^{۱۱} (۲۰۰۰) در پژوهش خود به این نتیجه رسیدند که نوجوانانی که دین‌دار نیستند در مقایسه با نوجوانانی که دین نقش مهمی در زندگی آن‌ها دارد. سوء مصرف مواد بیشتری را دارند. به‌طور کلی مطالعات مختلف نشان داده‌اند که باورها و اعمال دینی مانند حضور در مکان‌های مذهبی و مذهبی بودن والدین و نیز بحث‌های دینی در بین خانواده باعث کاهش گرایش نوجوانان به رفتارهای پرخطر شده است (ریچارد^{۱۲}، ۲۰۰۰؛ مریل، سالازار و گاردنر، ۲۰۰۱). از سوی دیگر در این پژوهش به بررسی متغیرهایی که احتمال می

7. Wills, Year & Sandy
8. Top & Chadwick
9. Danuhue
10. Burr & Mckall
11. Miller, Davies & Greenwald
12. Richard

1. Aughinbaugh & Gittleman
2. Feldman & Elliot
3. Furstenberg
4. Harris, Dunkan & Boisjoly
5. Shaeffer
6. Carr Gregg & Grover

مثال، رفتار پرخطر جنسی) تکیه می‌کنند. نتایج پژوهشی که توسط مسمان و مور و همکارانشان (۲۰۱۰) انجام شد نشان داد که دشواری در نظم‌بخشی هیجانی با رفتار پرخطر جنسی در نمونه غیر بالینی دختران دانشجو همبستگی مثبت و معناداری دارد. افرادی که وضوح هیجانی بالاتری بخصوص در رابطه با هیجان‌ات منفی‌شان دارند به‌طورکلی در تنظیم هیجان‌اتشان به‌گونه‌ای مؤثرتر عمل می‌کنند (فلدمن و گراس، ۲۰۰۱). همچنین تحقیقات نشان داده است که عدم وضوح هیجانی با بسیاری از رفتارهای ناسازگارانه که افراد آن‌ها را به‌عنوان یکی از راهبردهای تنظیم هیجان‌اتشان در نظر می‌گیرند، از قبیل خودآزاری عمدی (گراتز و روئمر، ۲۰۰۸)، سوءمصرف مواد (میلر و همکاران، ۲۰۰۸)، همبستگی مثبت دارد. لذا پژوهش حاضر قصد دارد مدل فرضی را که بیانگر نقش پیش‌بین دین‌داری در گرایش به رفتارهای پرخطر با واسطه‌گری نظم‌بخشی هیجان‌ات است، مورد آزمون قرار دهد. به‌عبارت‌دیگر، این پژوهش در پی پاسخ به این سؤال است که آیا در ارتباط میان دین‌داری و رفتار پرخطر، نظم‌بخشی هیجان‌ات می‌تواند به‌عنوان متغیر واسطه‌ای^{۱۲} نقش داشته باشد؟

روش

جامعه آماری در این پژوهش، شامل کلیه دانش‌آموزان دبیرستانی می‌باشند که در سال تحصیلی ۹۲-۹۱ مشغول به تحصیل بودند. بر اساس روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای تصادفی، با توجه به نواحی

رود با این مقوله مرتبط باشند و بتواند سطح گرایش نوجوانان به رفتار پرخطر را پیش‌بینی کند نیز پرداخته می‌شود. ازجمله این متغیرها نظم‌بخشی هیجانی است. دین با تقویت و نهادینه کردن آموزه‌هایی چون «تقوا» و «خردگرایی» به‌خوبی می‌تواند از عهده تنظیم و کنترل هیجان‌ها برآید و باعث شود که فرد بتواند تکانش‌های خویش را کنترل کند. دشواری در نظم‌بخشی هیجانی با دامنه‌ی وسیعی از رفتارهای ناسازگانه ارتباط قوی دارد؛ که این رفتارها شامل سوءمصرف مواد (میلر، جانویک و زولنسکی^۱، ۲۰۰۸)، خودآزاری عمدی (گراتز و روئمر، ۲۰۰۸؛ گراتز و تال، ۲۰۱۰)، میل به خودکشی (آنستیس^۲، باگ^۳، تال و جوینر^۴، ۲۰۱۱)، رفتار پرخاشگرانه (گراتز و روزنتال، ۲۰۰۹؛ تاگر^۵، گود و برامر^۶، ۲۰۱۱) و اختلال در خوردن است (سلبی^۷، وارد^۸ و جوینر، ۲۰۱۰). شواهدی وجود دارد که نشان می‌دهد که سطوح بالایی از عاطفه منفی تعامل در رفتارهای پرخطر برای مثال رفتار پرخطر جنسی را افزایش می‌دهد (کرپاز و مارکس^۹، ۲۰۰۱، لیث و بامیستر^{۱۰}، ۱۹۹۶؛ لوکنکو^{۱۱} و همکاران، ۲۰۰۳). برخی از محققان معتقدند که رفتار پرخطر جنسی در نتیجه عملکرد پایین و ضعیف در نظم‌بخشی هیجان‌ات است که از طریق کاهش یا انحراف توجه از عاطفه‌ی منفی صورت می‌گیرد (کرپاز و مارکس، ۲۰۰۱). افرادی که در زمینه تنظیم هیجان‌ات مشکلات بسیاری را تجربه می‌کنند در تنظیم هیجان‌ات منفی خویش بر راهبردهای ناسازگارانه و تکانشی (برای

7. Selby
8. Ward
9. Crepez & Marks
10. Laith & Baumeister
11. Lucenko
12. Mediator variable

1. Vujanovic & Zvolensky
2. Anestis
3. Bagge
4. Joiner
5. Tager
6. Brammer

پنج‌گانه استان اصفهان از هر ناحیه دو دبیرستان یک دبیرستان دخترانه و یک دبیرستان پسرانه به صورت تصادفی انتخاب شد سپس از هر مدرسه دو کلاس به صورت تصادفی انتخاب شد. در هر مدرسه پس از توجیه مدیران آموزشی، با مراجعه به کلاس‌هایی که به صورت تصادفی انتخاب شده بودند، پرسشنامه‌ها بین دانش‌آموزان توزیع شد. پس از توضیح مختصری در مورد اهداف پژوهش و جلب مشارکت آزمودنی از آن‌ها خواسته شد به ترتیب پرسشنامه‌های دین‌داری (خدایاری فرد، ۱۳۸۸)، مقیاس خطرپذیری نوجوانان ایرانی (زاده محمدی، ۱۳۹۰) و مقیاس دشواری در نظم‌بخشی هیجانانگیز (گراتز و روئمر، ۲۰۰۶) را تکمیل کنند. حجم نمونه ۳۸۳ نفر انتخاب شد. در این مطالعه از ابزارهای زیر استفاده شد.

پرسشنامه دین‌داری: یک مقیاس ۱۰۲ گویه‌ای خود گزارشی است که توسط خدا یاری فرد (۱۳۸۸) برای سنجش میزان دین‌داری فرد مسلمان تهیه شده است. ای مقیاس حیطه‌های دین‌داری را در سه مقیاس جداگانه اندازه‌گیری می‌کند: ۱- باور دینی، ۲- عواطف دینی، ۳- عمل و التزام دینی. گویه‌ها بر روی یک مقیاس لیکرتی از زیاد موافق هستم = ۶ تا زیاد مخالفم = ۱ پاسخ داده می‌شود. ضریب آلفای کرونباخ خرده مقیاس‌های آن از ۰/۸۲ تا ۰/۹۰ گسترده است. ضریب آلفای کرونباخ کل مقیاس نیز ۰/۹۶ است؛ بنابراین این پرسشنامه از اعتبار مناسبی به‌منظور اجرای پژوهش‌ها در حیطه دین‌داری فرد مسلمان است.

پرسشنامه دشواری در نظم‌بخشی هیجانانگیز (DERS): توسط گراتز و روئمر (۲۰۰۴) برای

ارزیابی دشواری در نظم‌بخشی هیجانی تهیه شده است. این پرسشنامه دارای شش خرده مقیاس عدم پذیرش پاسخ‌های هیجانی، دشواری در انجام رفتار هدفمند، دشواری در کنترل تکانه، فقدان آگاهی هیجانی دسترسی محدود به راهبردهای نظم‌بخشی هیجانی و عدم وضوح هیجانی است. این مقیاس از همسانی درونی بالایی با ضریب آلفای کرونباخ ۰/۹۳ برخوردار است. هر شش زیر مقیاس DERS آلفای کرونباخ بالای ۰/۸۰ دارند. در ایران، ضریب پایایی این مقیاس بر اساس آلفای کرونباخ ۰/۹۲ به‌دست‌آمده است (عزیزی و همکاران، ۱۳۸۹). به‌علاوه، نتایج پژوهش‌ها نشان می‌دهد که تمامی زیر مقیاس‌های این مقیاس با وابستگی به نیکوتین همبستگی مثبت و معنادار و با مقیاس تحمل آشفتگی هیجانی^۱ رابطه منفی و معناداری دارد؛ که نشان‌دهنده روایی ملاکی و سازه این پرسشنامه است (عزیزی و همکاران، ۱۳۸۹).

مقیاس خطرپذیری نوجوانان ایرانی^۲ (IARS): مقیاس خطرپذیری نوجوانان توسط زاده محمدی (۱۳۹۰) برای سنجش آسیب‌پذیری نوجوانان در مقابل ۶ دسته رفتارهای پرخطر، خشونت، سیگار کشیدن، مصرف مواد مخدر، مصرف الکل، رابطه و رفتار جنسی و گرایش به جنس مخالف تهیه شده است. مقیاس شامل ۳۸ گویه است که پاسخگویان موافقت یا مخالفت خود را با این گویه‌ها در یک مقیاس ۵ درجه‌ای از کاملاً مخالف (۱) تا کاملاً موافق (۵) بیان می‌کنند. ضریب آلفای کرونباخ خرده مقیاس‌های آن از ۰/۷۴ تا ۰/۹۳ گسترده است.

2. Iranian Adolescent Risk-Taking Questionnaire

1. Distress Tolerance Scale(DTS)

درون‌زاد رفتارهای پرخطر بود. تحلیل داده‌ها نیز توسط نرم‌افزارهای SPSS و AMOS انجام شد.

یافته‌ها

میانگین و انحراف معیار سنی گروه نمونه به ترتیب، ۱۷/۱۲ و ۱/۰۱ بود. ۴۶ درصد از افراد گروه نمونه، پسر و ۵۴ درصد دختر بودند. گروه نمونه پژوهش از دانش‌آموزان سال اول و دوم و سوم دبیرستان بودند. یافته‌های توصیفی متغیرهای پژوهش در جدول ۱ ارائه شده است.

پژوهش حاضر از لحاظ روش از نوع مطالعات همبستگی است که با هدف بررسی نقش پیش‌بین دین‌داری بر رفتارهای پرخطر در دانش‌آموزان دبیرستانی با در نظر گرفتن نقش متغیر واسطه‌گر دشواری در نظم‌بخشی هیجانی انجام شد. روش پژوهش به کار گرفته شده در این پژوهش، تحلیل مسیر و تحلیل معادلات ساختاری است که با استفاده از آن روابط علی بین متغیرهای پژوهش بررسی خواهد شد. متغیر برون‌زاد در این پژوهش دین‌داری، متغیر واسطه‌ای دشواری در نظم‌بخشی هیجانی و متغیر

جدول ۱. یافته‌های توصیفی متغیرهای پژوهش

متغیرها	میانگین	انحراف معیار
باور دینی	۲۴۷	۳/۷۴
التزام و عمل	۱۱۱/۶۵	۲۸/۴۸
عواطف	۱۱۶/۴۸	۲۲/۶۳
نپذیرفتن پاسخ هیجانی	۹۷/۰۱	۲۳/۷۰
دشواری در انجام رفتار هدفمند	۱۸/۴۵	۶/۴۹
دشواری در کنترل تکانه	۱۵/۴۲	۳/۹۷
عدم وضوح هیجانی	۸/۴۵	۳/۵۲
عدم آگاهی هیجانی	۲۴/۴۱	۵/۱۶
راهبردهای محدود	۱۳/۴۹	۴/۸۴
گرایش به مواد مخدر	۱۲/۲۲	۶/۷۰
گرایش به الکل	۱۰/۵۸	۶/۴۹
گرایش به سیگار	۷/۷۴	۴/۶۸
گرایش به خشونت	۱۱/۶۴	۵/۶۵
گرایش به رابطه و رفتار جنسی	۱۸/۱۶	۸/۵۷
گرایش به رانندگی خطرناک	۱۴/۲۴	۶/۷۳

نتایج جدول ۱ نشان می‌دهد از میان خرده مقیاس‌های دین‌داری، باور دینی بیشترین (۲۴۷) و التزام و عمل دینی کمترین (۱۱۱/۶۵) میانگین را دارند. همچنین، از میان خرده مقیاس‌های دشواری در نظم‌بخشی هیجانی، نپذیرفتن پاسخ هیجانی بیشترین (۹۷/۰۱) بیشترین و عدم وضوح هیجانی

کمترین (۸/۴۵) میانگین را دارند؛ و در نهایت از میان خرده مقیاس‌های رفتارهای پرخطر بیشترین و کمترین میانگین به ترتیب مربوط به گرایش به رفتار و رابطه با جنس مخالف (۱۸/۱۶) و گرایش به سیگار (۷/۷۴) است. ضریب همبستگی بین متغیرهای پژوهش در جدول ۲ ارائه شده است.

دشواری در نظم‌بخشی هیجانی و رفتار پرخطر به‌استثنای مؤلفه‌های عدم آگاهی هیجانی و گرایش به مصرف سیگار در سطح ۰/۰۱ همبستگی معنادار وجود دارد. در جدول ۳ ضرایب پیش‌بینی مؤلفه‌های دین‌داری برای متغیر ملاک به روش رگرسیون گام‌به‌گام آورده شده است متغیر پیش‌بین مربوط به مؤلفه‌های دین‌داری وارد تحلیل رگرسیون شدند. نتایج نشان داد که باور دینی، عمل و التزام دینی و عواطف دینی به ترتیب با ضریب تأثیر (۰/۴۵، ۰/۳۵ و ۰/۱۴) در سطح ۰/۰۱ و ۰/۰۵ به‌طور معنادار قادر به پیش‌بینی رفتارهای پرخطر بودند و ترکیب خطی این مؤلفه‌ها توانستند ۰/۴۶ از تغییرات رفتارهای پرخطر را پیش‌بینی کنند (جدول ۳).

۰/۰۱ $P < 0.05$ * $P < 0.01$ * $P < 0.001$ *
 ۱- باور دینی ۲-
 التزام دینی ۳- عواطف دینی ۴- نپذیرفتن پاسخ هیجانی
 ۵- دشواری در انجام رفتار هدفمند ۶- عدم وضوح هیجانی ۷- دشواری در کنترل تکانه ۸- عدم آگاهی هیجانی ۹- راهبردهای محدود ۱۰- گرایش به مواد مخدر ۱۱- گرایش به الکل ۱۲- گرایش به سیگار ۱۳- گرایش به خشونت ۱۴- گرایش به رابطه جنسی ۱۵- گرایش به رانندگی خطرناک.
 همان‌طور که در جدول ۲ دیده می‌شود رابطه معناداری میان مؤلفه‌های رفتارهای پرخطر وجود دارد که در سطح ۰/۰۱ معنادار است. ارتباط مؤلفه‌های دشواری در نظم‌بخشی هیجانی با مؤلفه‌های دین‌داری در سطح ۰/۰۱ معنادار است. همچنین، میان مؤلفه‌های

جدول ۳. نتایج تحلیل رگرسیون برای مؤلفه‌های دین‌داری بر رفتارهای پرخطر

متغیر	β	t	سطح معناداری	R	R^2
باور دینی	-۰/۴۵	-۳/۳۴	۰/۰۰۱		
عمل و التزام دینی	-۰/۳۵	-۵/۵۰	۰/۰۰۱	۰/۶۸	۰/۴۶
عواطف دینی	-۰/۱۴	-۲/۰۸	۰/۰۵		

آگاهی هیجانی به ترتیب با ضریب تأثیر (۰/۲۶، ۰/۳۰ و ۰/۱۰) در سطح ۰/۰۱ و ۰/۰۵ به‌طور معنادار قادر به پیش‌بینی رفتارهای پرخطر بودند و ترکیب خطی این مؤلفه‌ها توانستند ۰/۴۴ از تغییرات رفتارهای پرخطر را پیش‌بینی کنند. (جدول ۴)

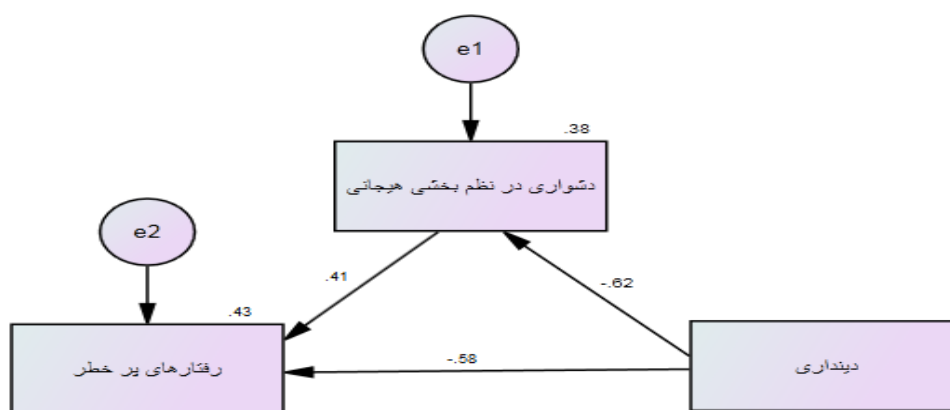
همان‌طور که در جدول ۴ آمده است، مؤلفه‌های دشواری در نظم‌بخشی هیجانی، به‌عنوان متغیر پیش‌بین و رفتارهای پرخطر به‌عنوان متغیر ملاک وارد تحلیل رگرسیون شدند. نتایج نشان داد که دشواری در انجام رفتار هدفمند، عدم وضوح هیجانی و عدم

جدول ۴. نتایج تحلیل رگرسیون برای مؤلفه‌های دشواری در نظم‌بخشی هیجانی بر رفتارهای پرخطر

متغیر	β	T	سطح معناداری	R	R^2
نپذیرفتن پاسخ هیجانی	۰/۰۲	۰/۴۱	۰/۶۷		
دشواری در انجام رفتار هدفمند	۰/۲۶	۳/۹۰	۰/۰۰۱		
عدم وضوح هیجانی	۰/۳۰	۵/۰۰	۰/۰۰۱		
دشواری در کنترل تکانه	۰/۱۱	۱/۵	۰/۱۳	۰/۶۶	۰/۴۴
عدم آگاهی هیجانی	۰/۱۰	۲/۳۳	۰/۰۲		
راهبردهای محدود	۰/۰۹	۱/۴۱	۰/۱۵		

دشواری در نظم‌بخشی هیجانی به‌عنوان متغیر وابسته میانی و گرایش به رفتار پرخطر به‌عنوان متغیر وابسته نهایی یا متغیر برون‌زاد در نظر گرفته‌شده است (شکل ۱)

در این قسمت، به بررسی نقش واسطه‌گری دشواری در نظم‌بخشی هیجانی با استفاده از تحلیل مسیر و مدل‌سازی معادلات ساختاری پرداخته‌شده است؛ بنابراین، با توجه به مدل‌سازی برای این فرضیه، دین‌داری به‌عنوان متغیر برون‌زاد یا مستقل،



شکل ۱. مدل فرضی چگونگی تأثیر دین‌داری و دشواری بر نظم‌بخشی هیجانی بر رفتارهای پرخطر

برای تأیید مسیرهای غیرمستقیم دین‌داری به‌دشواری در نظم‌بخشی هیجانی به رفتارهای پرخطر از آزمون بوت‌استرپ با تعداد نمونه‌گیری‌های مجدد بوت‌استرپ ۱۰۰۰ استفاده شد. نتایج نشان داد که فاصله اطمینان برای مسیر دین‌داری، به‌دشواری در نظم‌بخشی هیجانی به رفتارهای پرخطر با مقدار بوت‌استرپ ۲/۳۵ از ۰/۰۹ تا ۰/۸۹ است که حاکی از قرار نگرفتن صفر در این فاصله است. این نتیجه به تأیید تنها مسیر غیرمستقیم دین‌داری به‌دشواری در نظم‌بخشی هیجانی به رفتارهای پرخطر می‌انجامد. سطح اطمینان برای این فاصله $P < 0/05$ است.

همان‌طور که در شکل ۱ مشخص است، دین‌داری به‌عنوان متغیر برون‌زا و دو متغیر دشواری در نظم‌بخشی هیجانی و رفتارهای پرخطر در قالب متغیرهای درون‌زا عمل کرده‌اند. همچنین برای دو متغیر درون‌زا خطاهایی مفروض گردیده است که با e نشان داده‌شده است. وزن‌های رگرسیونی دین‌داری به رفتار پرخطر ($-0/58$) در سطح $P < 0/001$ معنی‌دار و وزن رگرسیونی دشواری در نظم‌بخشی هیجانی به رفتارهای پرخطر ($0/41$) و وزن رگرسیونی دین‌داری به‌دشواری در نظم‌بخشی هیجانی ($-0/62$) در سطح $P < 0/001$ معنی‌دار است.

همچنین، این منابع عنوان می‌کنند که اگر شاخص‌های نیکویی برازش (GFI)، نیکویی برازش تعدیل‌یافته (AGFI)، شاخص برازندگی هنجار شده (NFI)، شاخص برازندگی تطبیقی (CFI)، شاخص برازندگی افزایشی (IFI) و شاخص تولر-لویس (TLI) از مقدار ۰/۹ بالاتر باشند، مدل از برازش مطلوبی برخوردار است؛ بنابراین، با توجه به مقادیر این شاخص‌ها می‌توان گفت که مدل حاضر از برازش مطلوبی برخوردار است

جهت تعیین کفایت برازش الگوی پیشنهادی با داده‌ها، به بررسی شاخص‌های برازش پرداختیم. به‌طورکلی، نتایج نشان داد که مدل نهایی از برازش مطلوبی برخوردار است (جدول ۵). منابع موجود (مانند مدل‌یابی معادلات ساختاری در پژوهش‌های اقتصادی-اجتماعی کلانتری، ۲۰۰۹) در زمینه مدل‌سازی معادلات ساختاری پیشنهاد می‌کنند که اگر مقدار شاخص جذر میانگین مجذور خطای تقریب (RMSEA) کمتر از ۰/۰۵ باشد، مدل از برازش مطلوب برخوردار است (کلانتری، ۱۳۸۸).

جدول ۵. شاخص‌های نیکویی برازش مدل اصلاح‌شده

مقدار	ویژگی‌های برازندگی
۰/۹۳	شاخص نیکویی برازش (GFI)
۰/۹۲	شاخص نیکویی برازش تعدیل‌یافته (AGFI)
۰/۹۶	شاخص برازندگی هنجار شده (NFI)
۰/۹۸	شاخص برازندگی تطبیقی (CFI)
۰/۹۸	شاخص برازندگی افزایشی (IFI)
۰/۹۴	شاخص توکر-لویس (TLI)
۰/۰۴	جذر میانگین مجذور خطای تقریب (RMSEA)

نتیجه‌گیری و بحث

در این پژوهش نقش پیش‌بین دین‌داری در گرایش به رفتارهای پرخطر و نقش دشواری در نظم‌بخشی هیجانی به‌عنوان متغیر واسطه‌ای بررسی شد. نتایج نشان داد که دشواری در نظم‌بخشی هیجانی در بررسی نقش پیش‌بین دین‌داری در رفتارهای پرخطر تاندازه‌ای واسطه شده است، باوجوداین، دین‌داری به‌تنهایی نیز رابطه منفی معناداری با رفتارهای پرخطر نشان داد. مذهب می‌تواند رفتارهای پرخطر ازجمله مصرف مواد و الکل و بهبودی از آن را از طریق برقراری یک نظم اخلاقی تحت تأثیر قرار دهد مذهب راهنمایی‌ها یا قواعد خاص اخلاقی،

به‌منظور کنترل خویشتن و عفت از قبیل امتناع از استفاده از الکل و دیگر مواد، در اختیار فرد قرار می‌دهد. علاوه بر این مذهب به تسهیل تجربه معنوی کمک می‌کند. تجربه معنوی می‌تواند تعهدات اخلاقی را تحکیم بخشد که این نیز به‌نوبه خود مانع از مصرف الکل و دیگر مواد می‌گردد. همچنین با استناد به دستورات مذهبی می‌توان قوانینی وضع نمود که مصرف الکل و سایر مواد را ممنوع اعلام کند (اسمیت، ۲۰۰۳). همچنین مذهب می‌تواند از طریق مهارت‌ها و دانش‌هایی که فرد در طی زندگی خود کسب می‌کند از مصرف مواد پیشگیری کند. مثلاً مذهب می‌تواند یک سیستم معنایی شامل هدف‌دار

بودن زندگی، احساس خودارزشمندی مثبت و خود را شایسته احترام دانستن درست کند. این سیستم معنایی می‌تواند مانع از خطرپذیری و رفتار هیجان‌خواهی شود، که این نیز می‌تواند منجر به احتمال کاهش مصرف مواد توسط فرد گردد. همچنین شرکت در فعالیت‌ها و گروه‌های مذهبی می‌توانند به عنوان یک مهارت مقابله‌ای در برابر تنش‌گرهای زندگی که فرد را وادار به رفتارهای پرخطر از قبیل استفاده از مواد می‌کنند، عمل کند (اسمیت، ۲۰۰۳).

باید توجه داشت که افراد در زندگی روزانه خود بر پایه باورهای شخصی و دیدگاهی که درباره دیگران، خود مثلاً (من شایسته هستم)، جهان (مثلاً جهان عادلانه است) و یا هر دو (مثلاً من می‌توانم جهان را تغییر دهم) دارند، رفتار می‌کنند. این باورها و دیدگاه‌ها برای فرد یک سیستم معنایی شکل می‌دهند. این سیستم معنایی به فرد اجازه می‌دهد که به جهان اطراف خود معنا دهد و بر اساس این معنا دهی به انتخاب هدف و سپس عمل و رفتار مبتنی بر اهداف انتخاب شده بپردازد. مذهب می‌تواند منبع عظیم و بی‌نظیری برای سیستم معنا دهی فرد باشد چراکه در مرکز اینکه چه چیزی مقدس ادراک می‌شود قرار دارد. مؤلفه‌های سیستم معنا دهی که متأثر از مذهب هستند شامل باورها، وابستگی‌ها، انتظارات و اهداف به عنوان نقطه مرکزی هیجان‌ات و اعمال فرد عمل می‌کنند (سیلبرمن، ۲۰۰۵).

چنانچه فرد دارای سطح دین‌داری افزون‌تری باشد به تبع آن معنایی که به خود و جهان اطرافش می‌دهد توأم با احساس ارزشمندی و هدفمندی

است. از این رو احتمال کمتری وجود دارد که به اقداماتی نظیر مصرف مواد دست زند که به احساس ارزشمند بودنش آسیب برساند و یا آنکه مانع از رسیدن به اهدافش گردد. به عبارت دیگر، مذهب به واسطه نقش مقابله‌ای در برابر فشارهای روانی می‌تواند رفتارهای پرخطر از جمله وابستگی و یا سوء مصرف مواد را پیشگیری نماید. چراکه باورهای شناختی افراد متدین نظیر اعتقاد به اینکه خداوند در سختی‌ها به انسان کمک می‌کند، اعتقاد به اینکه خداوند انسان را آزاد آفریده است و او را مسئول رفتار خودش قرار داده است و یا احساس اطمینان و آرامش از طریق نیایش، بر واکنش فرد متدین در مقابله با فشار روانی تأثیر می‌گذارد.

از سوی دیگر افرادی که هیجان‌خواهی بالایی دارند و مشکلاتی در زمینه مدیریت هیجان‌ات خویش تجربه می‌کنند بیش‌تر تمایل به رفتارهای پرخطر دارند. نتایج پژوهش‌ها نشان داده‌اند که ظرفیت افراد در تنظیم مؤثر هیجان‌ها بر شادمانی روان‌شناختی، جسمانی و بین فردی تأثیر می‌گذارد (گروس، ۱۹۹۹؛ کلینگر، ۱۹۹۳؛ ریف و سیگل، ۱۹۹۶). سطح پایین تنظیم هیجانی که ناشی از ناتوانی در مقابله مؤثر با هیجان‌ها و مدیریت آن‌هاست، در شروع مصرف مواد نقش دارد (گلمن، ۱۹۹۵؛ پارکر و همکاران، ۲۰۰۸).

هنگامی که فرد برای مصرف مواد از سوی همسالان تحت فشار قرار می‌گیرد، مدیریت مؤثر هیجان‌ها خطر سوء مصرف را کاهش می‌دهد. توانایی مدیریت هیجان‌ها باعث می‌شود که فرد در موقعیت‌هایی که خطر مصرف مواد بالاست، از

به‌طورکلی یافته‌های این پژوهش نشان داد که دین‌داری با رفتارهای پرخطر و دشواری در نظم‌بخشی هیجانی رابطه منفی معناداری دارد و دشواری در نظم‌بخشی هیجانی رابطه مثبت معناداری با رفتارهای پرخطر دارد. از سوی دیگر یافته‌های این پژوهش می‌تواند سبب گسترش پژوهش و تحقیق در حوزه‌های مختلف مسائل و نیازهای نوجوانان شود؛ بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت که مسئولین و متخصصین آگاه به امور، نیازها و مسائل نوجوانان به‌منظور کاهش رفتارهای پرخطر در این سنین بحرانی، به تهیه و تدوین برنامه‌های آموزشی با رویکرد سبک‌های فرزند پروری- مدل زندگی سالم و نیز آموزش مهارت‌های زندگی بالأخص آموزش مهارت‌های: حل مسئله، تصمیم‌گیری، ارتباطات فردی و اجتماعی، تفکر و خلاقیت، مقاومت در برابر خواسته‌های نامشروع دیگران و نه گفتن، ابراز وجود، مهارت تقویت معنویت و موضوعات دینی، مهارت مراقبت و صیانت جنسی، مهارت خودکنترلی و خویش‌نمایی، مهارت استفاده مناسب از زمان و غنی‌سازی اوقات فراغت، خودشناسی و تقویت عوامل محافظت‌کننده و نفی رفتارهای پرخطر و ایجاد نگرش منفی نسبت به مصرف مواد اعم از سیگار، قلیان، الکل، مواد صنعتی و شیمیایی و طبیعی ویژه والدین و دانش‌آموزان با رعایت متغیرهای سن، جنسیت، موقعیت‌های فرهنگی و اجتماعی و با نیازسنجی مخاطبان در ابعاد مختلف شناختی-نگرشی و مهارتی با هدف ایجاد رفتارهای مثبت در نوجوانان به‌ویژه

راهبردهای مقابله‌ای مناسب استفاده کند. افرادی که تنظیم هیجانی بالایی دارند، در پیش‌بینی خواسته‌های دیگران توانایی بیشتری دارند. آن‌ها فشارهای ناخواسته همسالان را درک و هیجان‌های خود را بهتر مهار می‌کنند و در نتیجه در برابر مصرف مواد مقاومت بیشتری نشان می‌دهند (ترینیداد و جانسون^۱، ۲۰۰۲). در مقابل، کسانی که تنظیم هیجانی پایینی دارند، برای مقابله با هیجان‌های منفی خود، عموماً به‌سوی مصرف مواد یا الکل و دیگر راهبردهای منفی مقابله با هیجان‌های منفی کشیده می‌شوند (ترینیداد، آنگر، چو، آزن^۲ و جانسون، ۲۰۰۴). نوجوانانی که فعالیت مذهبی دارند، گرایش کمتری به مصرف مواد مخدر، الکل و سیگار دارند. از سوی دیگر مشکل در نظم‌بخشی هیجانی و کنترل تکانه با رفتارهای پرخطر بیش‌تری در نوجوانان همراه است. انسان‌ها ممکن است در مقابل خیلی از هوس‌های لجام‌گسیخته و تکانش‌های سرکش، از پا درآیند؛ به‌ویژه افراد فاقد گرایش‌های دینی، که ممکن است به طرز وحشتناکی ارزش‌های انسانی خود را زیر پا بگذارند. اینجاست که نقش یگانه دین در زمینه تنظیم و کنترل هیجان‌ها، بیش‌ازپیش روشن می‌شود. دین با تقویت و نهادینه کردن آموزه‌هایی چون «تقوا» و «خردگرایی»، می‌تواند به‌خوبی از عهده تنظیم و کنترل هیجان‌ها برآید؛ یعنی توانایی‌هایی مانند این‌که فرد بتواند تکانش‌های خود را کنترل کند، حالات روحی خود را تنظیم نماید و نگذارد خشم و عصبانیت، به قدرت تفکر و تعقل او خدشه وارد سازد (برایان لوک سی و آرد؛ ترجمه مهدی قرچه داغی، ۱۳۸۸).

۲. Unger, Cho & Azen

۱. Trinidad & Janson

مصون سازی اقشار دانش‌آموزی از آسیب‌های برشمرده، پردازند.

محدودیت عمده‌ی تحقیق حاضر این است که این پژوهش بر روی نمونه‌ای از دانش‌آموزان دبیرستان‌های نواحی پنج‌گانه اصفهان انجام شده، بنابراین در تعمیم نتایج به سایر افراد باید جانب احتیاط را رعایت کرد که تکرار این پژوهش توسط سایر محققان در مناطق دیگری از کشور می‌تواند به تعمیم‌پذیری نتایج کمک کند.

پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آتی به طراحی و آزمودن این مدل در گرایش به رفتارهای پرخطر در نمونه‌های مختلف پرداخته و نتایج آن با نتایج این پژوهش مقایسه گردد. پیشنهاد می‌شود در بررسی و اعتبار سنجی مجدد مدل پژوهش، به نقش سایر متغیرهای دخیل در گرایش نوجوانان به رفتارهای پرخطر نیز توجه شود و مدل پیشنهادی بسط و گسترش داده شود.

منابع

سلیمانی نیا، لیلا (۱۳۸۶). تفاوت‌های جنسیتی نوجوانان در ارتکاب انواع رفتارهای پرخطر، فصلنامه مطالعات جوانان، دوره پنجم، شماره

نهم، ص ۷۳-۸۶

برایان، لوک سی وارد (۱۳۸۸). مدیریت استرس. ترجمه: قرچه داغی، مهدی، تهران: انتشارات پیکان.

No. 12, PP. 379-393.

Wills, T.A. Year, M.A. & Sandy, J. (2003). "Buffer effects of religiosity for adolescent substance use". *Psychology of Addictive Behaviors*; 17(1), 24-31.

Smith, C. (2003). "Theorizing religious effects among American adolescents". *Journal for the scientific study of religion*; 42, 17-30.

Chodwick, A. & Top, B.L. (1993). "Religiosity and Delinquency Among LDS Adolescents". *Journal for the Scientific Study of Religion*, 32(1): 51-67.

Danuhue, J.M. (1995). "Religion and the well-being of adolescents". *Journal of social issues*, 51:145 -160.

Burr, J.A. & Mccall, P.L. (1994). "Catholic religi and suicide: the melting effect of divorce". *Social science quarterly*,

Reference

Aughinbaugh, A. & Gittleman, M. (2003). "Maternal Employment and Adolescent Risky Behavior". U.S. Department of Labour, Working Paper 366.

Feldman, S.S. & Elliott, G.R. (1990). "At the Threshold: The developing Adolescent". Cambridge: Harvard University Press.

Furstenberg, F.F. (2000). "The Sociology of Adolescence and Youth in The1990s: A Critical Commentary". *Journal of Marriage and The Family*, No. 62, PP. 896-910.

Harris, K., Duncan, G. & Boisjoly, J. (2002). "Evaluating the Role of "Noting to Lose" Attitudes on Risky Behavio in Adolescence". *Social Forces*, 00377732, Vol. 80 (3).

Schaeffer, E.S. (1989). "Dimensions of Mother-Infant Interaction: Measurement, Stability, and Predictive Validity. *Infant Behavior and Development*,

2:75.

- Miller, L., Davies, M. & Greenwald, N. (2000). "Relationship between family religiosity and substance use and abuse among adolescents in the national co morbidity survey". *Journal of the American academy of Child and Adolescent Psychiatry*, 39, 1190-1197.
- Richard, R. (2000). "Anticipated regret and precautionary sexual behavior". *Journal of Applied Social Psychology*, 28, 1411-1428.
- Merill, R.M., Salazar, R.D. & Gardner, N.W. (2001). "Relationship between family religiosity and drug use behavior among youth". *Social behavior and personality*, 29, 347-357.
- Miller, B., Vujanovic, A.A. & Zvolensky, M.J. (2010). "Multi-method study of distress tolerance and PTSD symptom severity in a trauma-exposed community sample". *Journal of Traumatic Stress*, 23, 623-630
- Gratz, K.L. & Roemer, L. (2008). "The relationship between emotion dysregulation and deliberate self-harm among female undergraduate students at an urban commuter university". *Cognitive Behaviour Therapy*, 37, 14-25.
- Gratz, K.L. & Tull, M.T. (2010). "The relationship between emotion dysregulation and deliberate self-harm among inpatient substance users". *Cognitive Therapy and Research*, 34, 544-553.
- Anestis, M.D., Bagge, C.L., Tull, M.T. & Joiner, T.E. (2011). "Clarifying the role of emotion dysregulation in the interpersonal-psychological theory of suicidal behavior in an undergraduate sample". *Journal of Psychiatric Research*, 45, 603-611.
- Gratz, K.L. & Rosenthal, M.A. (2009). "An Experimental Investigation of Emotion Desregulation in Borderline Personality Disorder". *Journal of Abnormal Psychology*. No. 115, PP. 850-855.
- Tager, D. T., Good, G. E. & Brammer, S. (2010). "Walking over 'em: An exploration of relations between emotion dysregulation, masculine norms, and intimate partner abuse in a clinical sample of men". *Psychology of Men and Masculinity*, 11, 233-239.
- Selby, E. A., Ward, A. C. & Joiner, T. E. (2010). "Dysregulated eating behaviors in borderline personality disorder: Are rejection sensitivity and emotion dysregulation linking mechanisms"? *International Journal of Eating Disorders*, 43, 667-670.
- Crepaz, N. & Marks, G. (2001). "Are negative affective states associated with HIV sexual risk behaviors? A meta-analytic review". *Journal of Health Psychology*, 20, 291-299.
- Leith, K. P. & Baumeister, R. F. (1996). "Why do bad moods increase self-defeating behavior? Emotion, risk taking, and self-regulation". *Journal of Personality and Social Psychology*, 71, 1250-1267.
- Lucenko, B. A., Malow, R. M., Sanchez-Martinez, M., Jennings, T. & Dévieux, J. G. (2003). "Negative affect and HIV risk in alcohol and other drug (AOD) abusing adolescent offenders". *Journal of Child and Adolescent Substance Abuse*, 13, 1-17.
- Messman-Moore, T. L., Walsh, K. L. & DiLillo, D. (2010). "Emotion dysregulation and risky sexual behavior in revictimization". *Child Abuse & Neglect*, 34, 967-976.
- Feldman Barrett, L., Gross, J.J., Christensen, T. C. (2001). "Knowing what you're

- feeling and knowing what to do about it: Mapping the relation between emotion differentiation and emotion regulation". *Cognition and Emotion*, 15, 713-724.
- Gratz, K. L. & Roemer, L. (2004). "Multidimensional Assessment of Emotion Regulation and Desregulation: Development, Factorstructure, and Initial Validation of the Difficulties in Emotion Regulation Scale". *Journal of Psychopathology and Behavioral Assesment*, No. 26, PP. 41-54.
- Azizi, A. & Mirzayi, A. (2010). "The relationship between distress tolerance and emotional regulation of student's cigarette dependence". *Journal of Hakim*. 13:11-18. {Persian}
- Zade Mohammadi, A. & Ahmadabadi, A. (2008). "The co-occurrence of risky behaviors among high school adolescents in Tehran". *Journal of Family Research*. 4(13):87-100.
- Kalantari, K.H. (2009). "Structural Equation Modeling in Social-Economic Research. Tehran: Saba Cultural Publications".
- Silberman, I. (2005). "Religion as a meaning system: implications for the new millennium". *Journal of social issues*. 61(4). 641- 663.
- Gross, J.J. (1999). "Emotion regulation: Past present, future". *Cognition and Emotion*, 13 (5), 551-573.
- Klinger, E. (1993). "Clinical approaches to mood control". In D. M. Wegner & J. W. Pennebaker (Eds.), *Handbook of mental control*, Century Psychology Series (pp. 258- 277). Englewood cliffs, NS: Prentice-Hall, Inc.
- Ryff, C.D. & Singer, B. (1996). "Psychological Well-Being: Meaning, Measurement, and Implications for Psychotherapy Research". *Psychology and Psychosomatics*, 65, 14-23.
- Siegle, L.J. & Senna, J.J. (1996). "Juvenile Delinquency: Theory, Practice and Law". (6th. Ed). Paul A lot: West. Publishing Company.
- Golman (1995). "Emotional intelligence". New York: Bantam Books.
- Parker, J.D., Taylor, R.N., Eastabrook, J.M., Schell, S.L. & Wood, L.M. (2008). "Problem Gambling In Adolescence: Relationships with Internet Misuse, Gaming Abuse and Emotional Intelligence". *Personality and Individual Differences*. 45. 174-180.
- Trinidad, D. R., Unger, J. B., Chou, C. P. & Johnson, A. (2004). "The protective association of emotional intelligence with psychosocial smoking risk factors for adolescents". *Personality and Individual Differences*, 36, 945-954.
- Trinidad, D.R. & Jahnsone, C.A. (2002). "The association between emotional intelligence and early adolescent tobacco and alcohol use". *Personality and individual Differences*, 32, 95-105.